

تو بودی و من

تو؛ با من... و بی من

این که می‌گویند «به یکباره همه چیز در رابطه ما تمام شد» از آن حرف‌هایی است که به هیچ وجه نمی‌توانم هضم کنم. اصلاً هیچ چیز ناگهانی و بی‌مقدمه در این دنیا نداریم، شاید ما آخرین لحظات آن اتفاق را دیده باشیم، اما دلیل نمی‌شود که یکباره رخ داده باشد.

بعضی اوقات شکل‌گیری یک رابطه منطقی لازم را ندارد (و به قول برخی در یک لحظه جوانه می‌زند) ولی تمام شدن ارتباط میان افراد منطقی خودش را دارد. منطقی که به مرور پیدا شده است. رابطه‌ای به دلیل بی‌اعتمادی پایان می‌یابد اما قبل از آن بارها و بارها روح زندگی با اتفاقاتی فرسوده شده که بی‌اعتمادی آفریده است. یکی هم به دلیل خیانت یا دروغ به پایان رابطه رسیده است که بی‌شک آنها هم به مرور زمان و کم‌کم اتفاق افتاده‌اند: دروغ‌های مکرر و هوس‌های پنهانی، مثل سوهان روح دو نفر را به پایان قصه‌ای به اسم رابطه می‌رسانند، آرام آرام و نه یکباره و بدون مقدمه!

پایان رابطه‌ها بدون سابقه اتفاق نمی‌افتد همان‌گونه که بدون خواسته دو طرف رابطه نیز شکل نمی‌گیرد. اصلاً همه چیز دست طرفین است، از عشقی که آغازش بوده تا جدایی با نفرت یا بی‌تفاوتی. رابطه‌ها مثل قصه می‌مانند با همان تعریف خوب و بد، شیرین یا تلخ و حتی با پایان خوش یا غم‌انگیز.

پس پایان یافتن رابطه هم نتیجه خواست هر دو سوی آن یا بی‌تفاوتی و بی‌عملی یکی از آن دو است. وقتی در قبال اتفاقی بی‌تفاوت یا تماشاچی هستیم درست مثل آن است که هیچ عکس‌عملی در جهت جلوگیری از آن نداشته‌ایم. زیرا آدم‌ها اگر بخواهند بسیار قوی‌تر از آن هستند که به نظر می‌آیند. چه برای شروع و چه برای پایان دادن، فقط کافیست تصمیم بگیرند. دیگر هیچ چیز و هیچ کس جلودارشان نیست، حتی وقتی بی‌تفاوت به کناری می‌نشینند و در حال انجام کاری به نام بی‌عملی و انفعال هستند (اگر چه بعدها پشیمان هم بشوند).

این توانایی و قدرت تا بدان جاست که در شوک‌آورترین لحظات هم می‌تواند کمک حال باشد، لحظاتی مثل ترک شدن و تنهایی! وقتی یکی دیگری را به حال خود وامی‌گذارد و می‌رود، اینجا همان قدرت پنهان است که می‌تواند به فریاد آدم برسد و نجاتش دهد: نجات از احساس خلاء در تنهایی!

نویسنده امروز ما نگاهش به همین زوایای زندگی و ارتباط آدم‌هاست، از باهم آغاز کردن دو نفر تا کندن و رفتن یکی از آنها. از فرصت‌هایی که آدم‌ها به هم می‌دهند یا همان فرصت‌هایی که از کف می‌دهند. او در بستر قصه‌ای روان به این سوی روابط نگاه کرده و خواننده هوشمند و حرفه‌ای رمان را به تفکر واداشته است، تفکری همراه با جذابیت‌های رمان... امیدواریم همچون دیگر آثارش نظر مخاطبین را جلب نماید.

ارتباطات پُر دوام باد.

بهمن رحیمی

مرداد ماه ۱۳۹۶ — تهران